گفت‌وگو با مریم ابراهیم‌وند

مرا از بلاتکلیفی دربیاورید

فرانک آرتا

مریم ابراهیم‌وند، تهیه‌کننده سینما، در زمان ریاست جواد شمقدری وارد سینما شد ولی از همان زمان، کار حرفه‌ای او با حواشی همراه بود. جسته و گریخته درباره او خبرهایی منتشر می‌شد که مهم‌ترین بخش آن همکاری با علیرضا سجادپور، مدیرکل وقت اداره کل نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی دولت احمدی‌نژاد بود. در دوران وزارت دکتر علی جنتی در دولت تدبیر و امید هم حواشی دیگری درباره او رقم خورد. با این حال دو سال است به دلیل شکایت‌هایی که علیه او مطرح شده، در زندان است. او برای شفاف‌سازی علاقه‌مند بود که مسائل خود را با «روزنامه شرق» در میان بگذارد که ماحصل گفت‌وگوی ما پیش‌روی شماست. در این گفت‌وگو نام برخی از افراد مطرح شده که قطعا حق پاسخ‌گویی خواهند داشت.

به چه علت در زندان هستید؟

برمی‌گردد به سال ۱۳۹۵ که فیلم سینمایی «۲۴ سپتامبر» را درباره فاجعه منا ساختم. یک ماه بعد از اتمام فیلم‌برداری در محل کارم بازداشت شدم. زمانی که بازداشت شدم، ۳۵ روز در انفرادی بودم که چرا این فیلم را ساختی، بازجو می‌گفت فلان کارگردان باید می‌ساخت، فلان کارگردان پشت در بنیاد سینمایی فارابی ایستاده که بودجه بگیرد؛ یعنی فضای بازجویی من در سال ۹۰ به این سمت رفت.

مگر رویکرد شما در این فیلم چگونه بود؟

زمانی که در حال ساخت این فیلم بودم، درباره قاری قرآن «محسن حاجی‌حسنی کارگر» بود که در مشهد با خانواده‌اش مخصوصا مادرش مصاحبه کردم و در اختیار علی‌اکبر محلوجیان، نویسنده فیلم‌نامه گذاشتم و ایشان بر اساس مصاحبه مادر، فیلم‌نامه را نوشت. زمان ساخت فیلم از خانواده شهید دعوت کردم که برای افتتاحیه بیایند. دقیقا در سکانسی آمدند که امین زندگانی داخل فیلم به خواستگاری گلاره عباسی می‌رود. بعد از دیدن این سکانس، برادر و پدر شهید، شروع به مصاحبه‌هایی تند کردند که فیلم وجهه شهید را پایین می‌آورد و نباید سکانس خواستگاری باشد و باید حذف شود. خانواده‌اش با شبکه قرآن، خبرگزاری فارس و سایر جاها مصاحبه و به این قضیه اعتراض می‌کردند.

فیلم مجوز ساخت داشت؟

بله پروانه ساخت سینمایی داشت.

در چه دوره معاونت سینمایی بود؟

حجت‌الله ایوبی و حبیب ایل‌بیگی.

شما هم تهیه‌کننده و هم کارگردان بودید؟

بله. فیلم با عوامل حرفه‌ای سینما ساخته شد ولی اعتراضات خانواده شهید در رسانه‌ها بازتاب داشت تا من بازداشت شدم.

فیلم اکران شد؟

در استودیو نور تابان در خیابان گاندی در حال تدوین بود و من با سالار عقیلی بابت تیتراژ قرارداد بستم و بابک زرین هم آهنگ‌ساز بود و مراحل آخر تدوین را می‌گذراندیم که میثم مولایی تدوین‌گر بود. بدون اینکه بازداشت‌کنندگان یک پلان از فیلم را ببینند در کیفرخواستی که بعد از دوسال‌ونیم آمده (از سوی دادسرای فرهنگ و رسانه بازداشت شدم) گفته شده فیلم مبتذل است و تصویری مخدوش از شهید در فیلم ارائه داده است.

شاکی خصوصی نداشتید؟

سال ۹۵ که بازداشت شدم، ۳۵ روز بعد با وثیقه ۳۰۰میلیونی آزاد شدم. آن زمان شاکی خصوصی نداشتم. شاکی اطلاعات سپاه بود.

دادسرای فرهنگ و رسانه مربوط به قوه قضائیه است، چه ربطی به اطلاعات سپاه دارد؟

آنها ضابطین دادسرای فرهنگ و رسانه هستند. من هم ضابطم که برایم تعیین شده بود، اطلاعات سپاه بود که شاکی من بود. اتهام استفاده از اموال دولت بود و با این اتهام دستگیر شدم، درحالی‌که یک هزار تومان از دولت یا شرکت‌های نیمه‌دولتی به حساب من نیامده است. زمانی که بازداشت شدم کلیه بازجویی بر محوریت فیلم بود و ربطی به اموال دولتی نداشت.

به نظرم مورد شما دلیل دیگری دارد.

قطعا باید در کیفرخواست من می‌آمد. دوسال‌ونیم که در زندان بلاتکلیف بودم، با سرمایه‌گذاران فیلم‌های من تماس گرفتند که حتما در فلان شعبه که ایشان پرونده دارد بیایید و شکایت کنید؛ فیلم‌هایی که پروانه ساخت داشت و حتی خیلی از فیلم‌های من پروانه نمایش داشت. فیلم «۱۰ روز پایانی» پروانه ساخت داشت و پروانه نمایش هم گرفته بود.

شما چند فیلم کار کرده‌اید و هیچ‌کدام از کارهای شما را ندیده‌ایم.

«عشق ساندویچی» و «ما همه تنهاییم» از تلویزیون و شبکه نمایش خانگی در سال‌های ۹۱ و ۹۲ پخش شد. اولین فیلم سینمایی‌ام «۲۴ سپتامبر» بود. کلیه کارهای من در حوزه سینما رسانه و سینما همه شبکه خانگی بوده‌اند. مثلا در «پانسیون دختران» تهیه‌کننده و کارگردان بودم. فیلم «زمان بازگشت»، «ما همه تنهاییم» و «عشق ساندویچی» در شبکه نمایش خانگی ساخته شده‌اند.

ورود شما به سینما چطور بوده؟

فارغ‌التحصیل رشته ارتباط تصویری از دانشگاه پیام‌نور واحد لواسانات هستم. زمانی که بازداشت شدم، دانشجوی رشته علوم سیاسی بودم. از سال ۸۸ در مؤسسه ویدئورسانه پرده نقره‌ای کار می‌کردم. مؤسسه پرده نقره‌ای در شبکه نمایش خانگی تولید فیلم داشتند و من آن زمان با جذب سرمایه‌گذار در کنار آقای حجت حاتم آشنا شدم. ورود من به حوزه رسانه، با مؤسسه پرده نقره‌ای بود. پرده نقره‌ای بخشی به عنوان جذب سرمایه‌گذار داشت و آنجا تجربیات لازم را به دست آوردم.

یعنی در بخش بازرگانی کار می‌کردید؟

بله. سال ۹۰ شرکت آویژ رسانه روز را ثبت کردم که موضوعش سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری بود.

سرمایه را از کجا آوردید؟

یک تیم بازاریابی قوی در شرکتی که ثبت کردم داشتم که اقدام به جذب سرمایه‌گذار و اسپانسر روی پروانه ساخت فیلم‌های رسانه و ویدئورسانه می‌کردند. خیلی از کارگردانان و تهیه‌کننده‌ها برای جذب اسپانسر و سرمایه‌گذار به دفتر من مراجعه می‌کردند. مثلا فیلمی که آن زمان محسن افشانی به کارگردانی آقای پاک‌نیا ساخت، سرمایه‌اش را من تأمین کردم. بعد از این قضیه با تولید فیلم و فیلم‌سازی آشنا شدم و سال ۹۰ پروانه ساخت «عشق ساندویچی» را به‌عنوان تهیه‌کننده گرفتم. کارگردان مجید وحیدیان بود. آن فیلم را بعد از دو ماه ساختیم و در رسانه شبکه خانگی پخش شد. بعد از آن فیلم «ما همه تنهاییم» را به کارگردانی آرش تقواشعار ساختم که سحر قریشی و کامران تفتی بازی کردند. آن فیلم هم در شبکه نمایش خانگی پخش شد که موفق بود. بعد از آن فیلم «۱۰ روز پایانی» را به کارگردان جواد مزدآبادی ساختم که حسن جوهرچی و زیبا بروفه بازی کردند که پخش نشده اما پروانه نمایش گرفته است. بعد از اینکه تجربه تهیه‌کنندگی را کسب کردم و با روند فیلم‌سازی آشنا شدم، اولین فیلم را به نام «پانسیون دختران» به عنوان تهیه‌کننده و کارگردان ساختم.

یکی، دو مورد در دوره وزارت آقای علی جنتی و معاونت دکتر حجت‌الله ایوبی اسم شما مطرح و اتهاماتی به شما وارد شد؛ ظاهرا با آقای سجادپور در زمان آقای شمقدری اصطکاک کاری داشتید؟

آن زمان با توجه به اینکه دو، سه فیلم به عنوان تهیه‌کننده ساخته بودم، دفتر تولید فیلم داشتم. وزارت ارشاد می‌گوید هر تهیه‌کننده و فیلم‌سازی که دفتر تولید فیلم دارد، باید پروانه فعالیت شرکت بگیرد. من به وزارت ارشاد برای گرفتن پروانه فعالیت شرکت مراجعه کردم. آقای علیرضا سجادپور گفتند به این شرط پروانه می‌دهیم که خانم زهره صادقی را به عنوان مدیرعامل تعیین کنید. ایشان به من معرفی شد، مدارکش را آورد، در شورای پروانه فعالیت شرکت فیلم‌سازی معرفی شد، علیرضا سجادپور در همان هفته اول در شورا با مجوز پروانه فعالیت به نام زهره صادقی موافقت کرد. آقای سجادپور با من تماس گرفت که حتما باید دو، سه فیلم‌نامه از زهره صادقی بخرید. خانم صادقی کارگاه فیلم‌نامه‌نویسی به نام زنان اهل قلم دین‌پژوه داشت. قراردادی بابت فیلم‌نامه «۱۰ روز پایانی» و «زمان بازگشت» بست و مبالغ هنگفتی را از من گرفت. جالب است که آقای سجادپور مجوزها را به نام زهره صادقی داد.

شما چرا قبول کردید؟

چون مضطرب بودم و می‌خواستم پروانه فعالیت حقوقی داشته باشم. نمی‌خواستم دفتر سینمایی‌ام پلمب شود.

آقای سجادپور می‌تواند از خودش دفاع کند.

من مجبور به این کار بودم و آن خانم را فرد موجهی دیدم.

خانم صادقی را می‌شناختید؟

ایشان را آقای سجادپور به من معرفی کرد. دو فیلم‌نامه از خانم صادقی خریداری شد و مجوزها به نام ایشان صادر شد. بابک خانیان بازداشت شدند. آقای سجادپور به من گفتند مبلغ ۳۰ میلیون تومان پول می‌خواهم. انگار ایشان باید مبلغی را تأمین می‌کردند. از اهالی سینما شنیدم. گفتند ۳۰ میلیون دستی به من بدهید. اول تعلل کردم بعد از یک هفته گفتند اگر این مبلغ را ندهی ممنوع‌الکار می‌شوی.

شما مدرکی دارید؟

بله بر اساس مدرک صحبت می‌کنم. ۳۰ میلیون تومان برای آقای سجادپور واریز کردم. بعد از چند ماه برای اجاره دفترم نیاز به پول داشتم و خواستم پول را برگردانند. گفتند من این پول را به شما نمی‌دهم. پیامکی را برای من ارسال کردند. اختلاف من و آقای سجادپور بر سر مسائل مالی بود؛ پولی که به ایشان داده بودم و فیلم‌نامه‌هایی که اصرار داشتند از خانم صادقی بخرم و مجوزها به نام خانم صادقی داده می‌شد.

از آقای سجادپور پرسیدید که چرا خانم صادقی باید طرف حساب شما باشد؟

مشخص بود خانم صادقی امین آقای سجادپور بود و ایشان فیلم‌نامه‌هایی که در قالب کارگاه فیلم‌نامه‌نویسی خانم صادقی بود به خیلی از کارگردان و تهیه‌کنندگان معرفی می‌کرد. نویسنده‌های دیگر برای زهره صادقی فیلم‌نامه می‌نوشتند مثل خانم الهه احمدی. حتی فیلم‌نامه‌های کارگاه را به بنیاد سینمایی فارابی ارجاع می‌دادند و جالب است که این فیلم‌نامه‌ها را می‌خریدند. آقای احمد میرعلایی آن زمان بودند؛ مثلا «شهروند یک هزاره سوم» که کارگردانش محمدهادی کریمی بود. در تیتراژ فیلم‌نامه نوشته شده که طرح بر اساس فیلم‌نامه الهه احمدی و مشاور زهره صادقی است که آن زمان زهره صادقی هیچ سابقه سینمایی و رسانه‌ای نداشت. صرفا در زمان آقای سجادپور ناگهان بولد شد و ویترین آقای سجادپور شد که به بنیاد فارابی معرفی می‌شد. نمونه‌اش من که فیلم‌نامه‌هایش را خریدم. در نهایت آقای سجادپور به من پیامکی ارسال کردند که آقای شمقدری و وزیر ارشاد پشت من است و رئیس حراست هیچ کاری نمی‌تواند بکند. این اختلاف بابت مبالغی بود که از حساب من به حساب بانک ملی ایشان واریز شده بود و مجوزهایی که به نام خانم صادقی داده می‌شد که ایشان هیچ سابقه‌ای نداشت. من سال ۸۸ وارد سینما شدم و اسپانسر و سرمایه‌گذار جذب کردم و با کارگردان‌های مختلف کار کردم. من که به این سختی وارد سینما می‌شوم، چطور یک خانم که هیچ رزومه‌ای ندارد با رانت آقای سجادپور فیلم‌نامه‌هایش به بنیاد سینمایی فارابی معرفی و فروخته شود؟ همان پیامک را به رئیس حراست وزارت ارشاد دادم؛ گفتم آقای انجم‌شعار این پیامک را آقای سجادپور برای من فرستاده. ایشان پیامک را خواند، شماره را با شماره آقای سجادپور در موبایلش چک کرد و عصبانی شد گفت علنا من را تهدید می‌کند که همین اتفاق باعث تشکیل پرونده در وزارت ارشاد شد. من اصلا علاقه‌ای نداشتم به دستگاه قضائی کشیده شود، ولی ایشان چون به وزیر ارشاد و جواد شمقدری پشت‌گرمی داشت، من علنا در حال تهدید بودم. من به حراست وزارت ارشاد رفتم و کمک خواستم. حراست باید به من پاسخ می‌داد. بعد از تشکیل پرونده حراست وزارت ارشاد پرونده را به قوه قضائیه ارسال کردند و دادسرای کارکنان دولت با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری رفت. یک هفته قبل از اینکه حکم صادر شود، چند نفر به دفتر من آمدند و خواهش کردند که رضایت بده. اجازه نده ایشان محکوم شود. گفتم ایشان شروع‌کننده بودند. گفتند رضایت بده تا محکومیت ایجاد نشود و در متن رضایت‌نامه بنویس که این مبلغ را به‌عنوان کمک به مؤسسه خیریه به این آقا داده‌ای که جنبه کیفری نداشته باشد. در دفترخانه اسناد رسمی این گفته را نوشتم. کل موضوع همین بوده. حالا حواشی کنارش به وجود آمد.

پس کاملا تأیید می‌کنید اختلاف شما با آقای سجادپور فقط در محدوده مالی بوده و نه هیچ مورد دیگری؟

بله.

نتیجه دادگاه چه شد؟ پرونده به نفع شما بسته شد؟

من قبل از حکم رضایت دادم و نوشتم پول کمک به مؤسسه خیریه بود و قطعا محکومیتی برای ایشان صادر نشد.

در حقیقت مصالحه کردید.

بله.

پس از این اتفاق فعالیت‌هایتان چطور ادامه پیدا کرد؟

در زمان آقای شمقدری طبق روال قانونی فعالیت کردم که «۱۰ روز پایانی» را ساختم و مجوز «پانسیون دختران» را گرفتم که دولت جدید روی کار آمد.

در دولت جدید مشکلی نداشتید؟

اصلا نداشتم. حتی آقای علی جنتی، وزیر ارشاد، واقعا کمک کردند و رویکردشان کمک به جوانان سینما در حوزه موسیقی و نشر کتاب و سینما بود. آن زمان خیلی‌ها بودند که می‌خواستند یک‌جور علیه من سم‌پاشی کنند که خوشبختانه بابت اختلافی که با یکی از شرکا در فیلم «پانسیون دختران» پیدا کردم، به دفتر آقای وزیر رفتم.

چرا سراغ آقای منفرد حوزه وزارتی رفتید؟

خب ایشان مشاور وزیر بودند.

چرا سراغ معاون سینمایی نرفتید؟

به حوزه سینمایی خیلی نامه زده بودیم و به دایره حقوقی ارجاع داده بودند که فیلم را توقیف کرده بودند که اختلاف حل شود. مجبور شدیم به معاونت وزارت مراجعه کنیم که بتوانیم مشکل را حل کنیم.

همان زمان شنیده بودیم شما در تکاپو هستید این مشکلات را حل کنید. چرا سازمان سینمایی وقت نخواست مشکل شما را حل کند؟

قدرتی بوده که می‌خواستند من را تخریب کنند.

چرا؟

به‌خاطر مشکل مالی که با آقای سجادپور داشتم.

اخبار دیگری شنیده‌ام که اتهامات خارج از فضای کاری بوده؟

همه این گفته‌ها را رد می‌کنم، فقط حاشیه‌سازی است.

شما برای آقای جنتی هیچ مشکلی ایجاد نکردید؟

خیر. ایشان را بسیار قبول دارم و ایشان هم در دوره خودشان خیلی کمک کردند.

دیگراتهامات شما چه بود؟

یکی از اتهامات شکایت نهاد ریاست‌جمهوری بود که به رضایت منجر شد. مورد دیگر اتهام نشر اکاذیب علیه سپاه بود که گفته بودند در اینستاگرام مطلبی را درج کرده‌اید. بعد از این اتهام، با سرمایه‌گذاران فیلم‌های من تماس گرفتند و گفتند خانم ابراهیمی در شعبه ۴ بازپرسی دادسرای فرهنگ و رسانه پرونده دارد و به شعبه بیایید و شکایت مطرح کنید. سرمایه‌گذار فیلم ۲۴ سپتامبر شرکت عظیم‌خودرو بود که ۱.۵ میلیارد بابت این فیلم هزینه کرده بود. سرمایه‌گذاران فیلم‌های دیگر به همین صورت شکایت کردند.

چرا من نوعی که می‌خواهم فیلم‌سازی کنم، برای من سرمایه‌گذاری نمی‌کنند؟

سال ۸۸، ۸۹ که وارد حیطه سینما و شبکه نمایش خانگی شدم، با جذب سرمایه و اسپانسر وارد شدم و تخصص اصلی من آن کار بود.

ولی سن شما خیلی کم بود؟

با مؤسسه پرده نقره‌ای وارد شدم و بخشی که در آن مؤسسه فعال بودم، کارش جذب سرمایه‌گذار بود و حتی سرمایه خود را بیمه ایران تأمین می‌کرد که در مؤسسه پرده نقره‌ای سرمایه‌گذاری می‌کردند و زمانی که آقای حجت حاتم، مدیرعامل مؤسسه پرده نقره‌ای، آموزش‌های لازم را دادند و با روال کار آشنا شدم و زمانی که از این مؤسسه خارج شدم، شرکتی را تحت عنوان سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری (آویژ رسانه) به ثبت رسانده بودم. ثبتش هم خارج از حیطه وزارت ارشاد بود.

کجا ثبت کردید؟

در اداره ثبت شرکت‌ها ثبت کردم و یک تیم بازاریابی قوی گرفتم که با کارخانه‌ها و شرکت‌های مختلف بازاریابی می‌کردند و روی فیلم‌ها اسپانسر و سرمایه‌گذار جذب می‌کردیم. من با این تخصص کاری وارد شدم. بیشتر به شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که علاقه داشتند به سینما ورود کنندیا می‌خواستند محصولشان را تبلیغ کنند، مراجعه می‌کردیم. الان نمی‌توانیم بگوییم بانک گردشگری برای فلان فیلم هشت میلیارد پول داده و چرا برای فیلم من پول نمی‌دهد. قطعا کسی که صحبت کرده توانسته آنها را مجاب به این کار کند یا از فیلم‌نامه خوششان آمده است. یادم هست مدیر عظیم‌خودرو همراه همسرشان سکانس‌های اول فیلم را که در استودیوی نور تابان دیده بودند، به من گفتند از این موضوع خوشم می‌آید و سرمایه‌گذاری می‌کنم، ولی می‌خواهم در مشهد فیلم‌برداری کنید و هزینه‌اش را هرچه باشد می‌پذیرم.ما هم قبول کردیم، چون به کیفیت فیلم کمک می‌کرد. مشکل‌ترین بخش سینما جذب سرمایه است. الان خیلی از کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌ها هستند که چون سرمایه جذب نکرده‌اند، نتوانسته‌اند فیلم‌هایشان را بسازند. جاهای دولتی مثل بنیاد سینمایی فارابی و مؤسسه اوج و نهادهای نیمه‌دولتی و دولتی معلوم است که به افراد خاص بودجه می‌دهند نه به امثال من. وقتی به من می‌گویید چرا عظیم‌خودرو در فیلم شما سرمایه‌گذاری کرده، خب تلاش من بوده که یک بخش خصوصی را مجاب به این کار کرده‌ام.

بر اساس مدرک صحبت می‌کنم. ۳۰ میلیون تومان برای آقای سجادپور واریز کردم. بعد از چند ماه برای اجاره دفترم نیاز به پول داشتم و خواستم پول را برگردانند. گفتند من این پول را به شما نمی‌دهم. پیامکی را برای من ارسال کردند. اختلاف من و آقای سجادپور بر سر مسائل مالی بود؛ پولی که به ایشان داده بودم و فیلم‌نامه‌هایی که اصرار داشتند از خانم صادقی بخرم و مجوزها به نام خانم صادقی داده می‌شد

هیچ نهادی از شما حمایت نکرد؟

خیر. فیلم فاجعه منا را که ساختم حدود ۱.۵ میلیارد هزینه داشت؛ با علم به اینکه فیلم مذهبی اگر اکران شود، مخاطب بلیت نمی‌خرد اما فیلم تجاری می‌بیند. من این فیلم را با عشق ساختم. یک عده می‌گویند من این فیلم را ساخته‌ام که پول دولتی بگیرم. هیچ نهاد و دولتی از من حمایت نکرد و برای کمک به هیچ کجا هم مراجعه نکردم. برایم این مهم بود که بتوانم این فیلم را بسازم و توانستم با سرمایه خصوصی این کار را بکنم نه با کمک دولتی. تیم بازاریابی من توانسته یک بخش خصوصی را برای سرمایه‌گذاری در این فیلم مجاب کند. در مدتی که در سینمای ایران کار کرده‌ام هیچ‌کس از من حمایت نکرد و مشکل اصلی من همین است.

عظیم‌خودرو از شما شکایت کرد؟

بله با من تماس گرفته و عذرخواهی کردند و گفتند آن‌قدر با ما تماس گرفتند که مجبور به شکایت هستیم.

چرا باید هر روز با ایشان تماس می‌گرفتند؟

بابت این کار شکایت کرده‌ام که چرا علیه من این کارها را کرده‌اند.

بعد از شکایت عظیم‌خودرو، چه اتفاقی افتاد؟

بارها به بازپرس گفتم قرارداد مشارکت در ساخت فیلم داشتم، فیلم‌ها مجوز گرفته و ساخته شده‌اند. فیلم‌هایی مثل ۱۰ روز پایانی و پانسیون دختران پروانه نمایش داشتند و فقط ۲۴ سپتامبر پروانه نمایش نداشت چون یک ماه از پایان فیلم‌برداری گذشته بود.

چه زمانی دستگیر شدید؟

۱۳۹۷/۴/۳۱.

هنوز مشکل پرونده شما حل نشده؟

خیر. در کیفرخواست گزارش شده که این خانم فیلم مبتذل ساخته؛ ارائه تصویر مخدوش از شهید در فیلم ۲۴ سپتامبر. پروانه ساختی که وزارت ارشاد می‌دهد، قاعدتا این فیلم را باید به وزارت ارشاد ببرم و در شورای پروانه نمایش افراد اهل فن و متخصص هستند که تشخیص دهند این فیلم آیا قابل نمایش هست، آیا مبتذل است یا نه.

وزارت ارشاد در جریان کار شما هست؟

خیر. چطور از وزارت ارشاد درخواست کنم؟ باید سه فیلمی که ساخته‌ام برای پروانه نمایش ارائه دهم.

یعنی پاسخ‌گو نیستند که فیلم شما در چه وضعیتی است؟

قاعده این است که بعد از ساختن فیلم، باید برای گرفتن پروانه نمایش ارائه دهم. فیلم در حال صداگذاری بود.

به خاطر شکایت خانواده حاج‌حسینی این اتفاق افتاد؟

خانواده شهید محسن حاج‌حسنی‌کارگر یک بار به صحنه فیلم‌برداری آمدند و اعتراضاتشان را در رسانه‌ها اعلام کردند که خانم ابراهیم‌وند چرا سکانس خواستگاری در فیلم گذاشته. من مصاحبه مادر شهید را با آقای محلوجیان ضبط کردم و ایشان بر اساس این مصاحبه فیلم‌نامه را نوشت.

الان وضعیت دادگاه چطور است؟

بلاتکلیف است. هیچ پاسخی نمی‌دهند.

نقد من به کیفرخواست این است که هیچ پلانی از فیلم را ندیده‌اند. این فیلم در استودیو نور تابان در حال صداگذاری بوده و باید یک نسخه را برای وزارت ارشاد شورای نمایش می‌فرستادم. آنها باید تصمیم بگیرند فیلم دانش سیاسی دارد یا نه و دوم اینکه سکانس‌های مبتذل که در کیفرخواست گفته شده، وجود دارد یا نه. هم نظر شورای پروانه نمایش قانونا ارجحیت دارد و هم باید نظر بدهند؛ یعنی یک نهاد خارج از شورای پروانه نمایش وزارت ارشاد این صلاحیت قانونی را ندارد که بخواهد در مورد یک فیلم خارج از وزارت ارشاد نظریه‌اش را به دادگاه اعلام کند. دو سال و دو ماه است که بلاتکلیف در زندان هستم و حکم نگرفته‌ام.

چه شد به اوین منتقل شدید؟

۲۶ اسفند ۹۸ به بهانه اینکه تلفن با تو کار دارد، من را به معاونت قضائی بردند و اجازه برگشت به بند را ندادند و به اوین منتقل کردند و همه وسایلم را هم خودشان فرستادند.

الان دقیقا چه خواسته‌ای دارید؟

اول اینکه در پرونده من نظریه کارشناسان و ضابطان آمده؛ فیلم‌های من مخصوصا ۲۴ سپتامبر گفته شده مبتذل و ارائه تصویر مخدوش از شهید کارگر است که حتما باید وزارت ارشاد تعیین تکلیف کند. این فیلم پروانه ساخت سینمایی از وزارت ارشاد دارد و وزارت ارشاد مسئول این فیلم است، چون من ۱.۵ میلیارد تومان در سال ۹۴ و ۹۵ از بخش خصوصی برای این فیلم هزینه کردم؛ یعنی هم به سرمایه‌گذار خصوصی متعهد هستم و هم بابت فیلمی که ساخته‌ام ایستادگی می‌کنم. فیلمی ساخته شده، هم با ارزش‌های کامل و هم با عوامل حرفه‌ای؛ اگر قرار است انتقاد یا اصلاحیه‌ای داده شود، صرفا وزارت ارشاد را می‌شناسم؛ نه هیچ نهاد و سازمانی را مسئول می‌دانم و نه حق اعمال نظر بر فیلم را دارند. اگر فیلم مغایرت با آرمان‌ها دارد و آنچه در قوانین آثار سمعی و بصری آمده رعایت نشده که حق دارند تذکر داده و فیلم را توقیف کنند و کیفرخواست صادر شود. این فیلم بابت یک موضوع خاص و ارزشی بوده و کاملا دلی ساخته شده است. وزارت ارشاد سخت‌گیری‌هایی را برای امثال من دارد اما برخی افراد به راحتی پروانه ساخت می‌گیرند. شخصی که متولد ۷۰ و همسن من است، به خاطر اینکه پدرش نماینده مجلس است، در سال دو فیلم سینمایی می‌سازد؛ چطور به ایشان خرده گرفته نمی‌شود. چرا به او نمی‌گویند از کجا آورده‌ای. این مغایرت‌ها و تمایزات در سینما وجود دارد. یا فردی در دوران آقای سجادپور بدون اینکه سابقه سینمایی داشته باشد، کار کرده. می‌دانم اگر قرار است کسی به عنوان تهیه‌کننده سینما بخواهد پروانه ساخت بگیرد، باید حداقل صددرصد فیلم‌های سینمایی را سرمایه‌گذاری کرده و پروانه مالکیت از وزارت ارشاد به نامش صادر می‌شد که سابقه مجری طرح یا سوابق دیگری در سینما داشته باشد. چطور می‌شود کسی که هیچ سرمایه‌گذاری‌ای در سینما نکرده و هیچ سابقه‌ای ندارد یکباره عضو شورای تهیه‌کنندگان می‌شود و با کارت تهیه‌کنندگی در وزارت ارشاد پروانه ساخت می‌گیرد؟ این افراد را می‌توانم به راحتی نام ببرم. من به عنوان کسی که با زحمت وارد سینما شدم، شب‌هایی بوده که از ۱۲ شب تا شش صبح در سطح تهران بنر تبلیغاتی می‌زدم و بالای سر تیم بودم که بتوانم سرمایه‌گذار جذب کنم برای تهیه‌کنندگانی که پروانه ساخت می‌گرفتند و در بخش خصوصی دنبال بودجه بودند. من واقعا زحمت کشیدم. شش صبح به بعد هم در دفترم پاسخ‌گوی تلفن بودم که بتوانم برای اهالی سینما بودجه تأمین کنم.

ارتباطی در سینما نداشتید؟

اصلا. خانواده من کاملا مذهبی و سنتی هستند که دخالتی در سینما نداشته‌اند. برادرم الان مستندساز است و فیلم کوتاه می‌سازد اما به پشتوانه خانواده وارد سینما نشده‌ام.

وکیل‌تان دنبال این موضوعات نیست؟

تا دو سال اجازه گرفتن وکیل نداشتم و الان چند ماه است که توانسته‌ام وکیل بگیرم. خودم وکیل گرفتم (محمدحسین ساکت). تا دو سال اصلا نمی‌دانستم چه چیزی در پرونده من هست. زمانی که کیفرخواست را خواندم، در دادگاه گریه کردم. گفتم چطور می‌شود درباره فیلمی که دیده نشده بگویند مبتذل است. این برای من دردآور است.

شاکی‌ها چه کسانی هستند؟

سرمایه‌گذاران فیلم‌ها. عظیم‌خودرو که سرمایه‌گذار فیلم ۲۴ سپتامبر است و سرمایه‌گذاران پانسیون دختران و سه نفر سرمایه‌گذاران « روز پایانی»؛ شاکی دیگری ندارم. من را به ناحق خیلی تخریب کردند. اگر با رانت وارد سینما شده بودم، می‌گفتم باید عواقبش را هم ببینم. اما با زحمت وارد سینما شدم و تلاش کردم و اینکه تک بودم و جنسیتم زن بود، باعث شد این‌همه تخریب و سرزنش شوم و کسی پشتم نباشد. الان هم دنبال کسی نیستم که از من حمایت کند. خواسته‌ام این است که پرونده سیر قانونی را طی کند. اگر بخش فرهنگی فیلم من زیر سؤال می‌رود، تنها کسی که باید پاسخ‌گو باشد فقط وزارت ارشاد است و آن را مسئول می‌دانم، چون مجوزم را برای این فیلم از آنجا گرفته‌ام. سرمایه‌گذاران درخواست سرمایه‌شان را دارند و طبق قرارداد باید از فروش فیلم سرمایه برگشت داده شود. فیلم‌ها هم ساخته شده. دو تا از فیلم‌ها که پروانه نمایش دارد، باید در بخش بازاریابی آنها را بفروشم و بعد هم فیلم سینمایی‌ام را به شورای پروانه نمایش ارائه دهم که نظراتش را بدهد.

من از روح‌الله زم شکایت کرده‌ام و ایشان محکوم شده‌اند. می‌خواهم صدایم به جایی برسد و تخریب‌هایی که در فضای مجازی و یک‌سری سایت‌های معاند کرده‌اند، جبران شود. هم به آبروی خودم لطمه وارد شده هم به آبروی خانواده مذهبی‌ام و باعث شده زندگی من دچار فرازونشیبی شود که در زندان افسردگی گرفته‌ام. حق من این اتفاقات نبود.